

گفتگو با سرتیپ ۲ هاشم شهیدی به مناسبت روز ارتش

پیوست بی گسست ارتش و مردم

گفتگو از سعید امیری

اشاره:
به مناسبت ۲۹ فروردین، روز خجسته ارتش جمهوری اسلامی ایران، به حضور سرتیپ ۲ هاشم شهیدی از ارتشیان بیدار دل و با سابقه کشور رفتم تا با توجه به خاطرات و اطلاعاتی که از ارتش دوران قبل مورد پیوستن بدنه مومن و انقلابی ارتش به ملت مبارز ایران، گفتگویی انجام دهم که اینک با تشکر از روابط عمومی نیروی زمینی ارتش، ماحصل این گفتگو تقدیم حضورتان می شود:

حکومت شاهنشاهی با توجه به اهدافی که در سطح منطقه و همچنین در داخل کشور داشت و در تلاش بود تا ارتش به عنوان نهادی قدرتمند در این راستا استفاده کند، تلاش های بسیاری انجام می داد تا ارتشی ها از بدنه جامعه جدا شده و ارتباط شان با هم قطع شود اما عمدا در جریان انقلاب شاهد بودیم که این امر روی نمود. چه عواملی را در این موضوع موثر می دانید؟

همان طور که در سوال نیز عنوان شده است، شاه و رژیم سابق سعی داشت با کمک و حمایت آمریکا، نقش ژاندارم منطقه را ایفا کرده و در داخل نیز منویات حکومت های غربی را پیگیری کند. در این راستا طبق آمارهای به دست آمده از آن زمن، حجم خرید انواع سلاح های جنگی و تجهیزات نظامی، حدود ۳۰ درصد از واردات کشور ایران را تشکیل می داد و این در حالی بود که افسار بسیاری از مردم در سطح رفاهی نامناسبی به سر می پرند. در آن سو نیز به دلیل اینکه بدنه اصلی و پیکر ارتش در آن زمان از افسران، درجه داران و سربازانی تشکیل می شد که با فرهنگ و مردم عام مردم عین بود و به هیچ وجه مستحقی به سرباز عمده ارتش نداشتند، به دلیل نفوذ عمیق تفکر و فرهنگ مذهبی در میان توده نظامی ها و نیز خدمتی محکم آنان با مردم و هدایت الهی امام خمینی و علای زمان، به وجود آمدن ارتش جدید. این شاهلین بودیم که علی رغم سرپیازی گزلی های فراوان، ارتش و ارتشیان از بدنه جامعه جدا نشده و تقشی بس از ژنراند در پیروزی انقلاب الهی را

گفتگو با ناخدا سوم جانباز بازنشسته نادر مبارکی، بازمانده ناوشکن سهند

سهند و جوشن غروب کردند تا اقتدار خلیج فارس طلوعی دوباره یابد

روز ۲۹ فروردین سال ۶۷ یکی از روزهای به یاد ماندنی در باب حقانیت ایران اسلامی و دشمنی ددمنشانه آمریکای جهانخواه با نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این روز ناوهای آمریکا وارد

عرصه نبرد دریایی با جمهوری اسلامی ایران شدند و اقدام به آتش کشیدن اسکله های نفتی ایران نمودند. در مقابل، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اعزام ناوهای رزمی خود در صدد مقابله با این تعرض بی‌آمد و توانست دشمن را تا حد زیادی در به ثمر رساندن کامل اهداف شوم خود ناکام بگذارد لیکن در این نبرد نابرابر، ناوشکن سهند و ناوچه جوشن در دریا غرق شد و به ناوشکن سیلان خسارات زیادی وارد آمد. آنچه در پی می آید متن گفتگویی ما با ناخدا سوم جانباز بازنشسته نادر مبارکی، بازمانده ناوشکن سهند است که شما را به خواندن آن دعوت می کنیم؛

گفتگو از: سید جلال موسوی

جناب ناخدا در روز ۲۹ فروردین سال ۶۷ چه گذشت؟
۴ صبح روز ۲۹ فروردین سال ۶۷، تصادف با اولین روز ملامت کبرضان من نگهبان یزاس بودم.مسعود حواسچی یکی از پرسنل ناو که رخصتی رفته بود، وارد ناو شد. با دیدن او از جیم بلند شدم و او را در آغوش گرفتم و به شوخی به او گفتم: «مسعود! از ترس موشک باران تهران فرار کردی؟» او که بچه تهران بود در جوابم گفت: «قسمت واجل آدم در هر کجا مقدر شده باشد در همان جابه و قوع خواهد پیوست، چه در تهران، چه در خلیج فارس.» از هم جدا شدیم و رفت و من هم که مدت نگهبانی ام به پایان رسیده بود چشم نگهبانی خود را تعویض کردم و بعد از خوردن سحری برای استراحت به خوابگاه رفتم. حوالی ساعت ۸ صبح مرا از خواب بیدار کردند و گفتند: «یک ماموریت فوری برای ناو مشخص شده است، سریع آماده شو.» در آن زمان ناو ما برای ای پارای از تعمیرات از دریا به اسکله برگشته بود و در اسکله به سر می برد. افسر رسته پس از دریافت پیام، بلافاصله ما را در سینه ناو جمع کرد و خبر این ماموریت را بدون اشاره به جزئیات آن اعلام کرد. با شنیدن خبر ماموریت حساس، شور و شغف خاصی در میان بچه‌ها وجود آمد. بعضی هادوست داشتند با خونه‌های خود خداحافظی کنند، برخی دیگر خارده و همه چیز خود را فراموش کرده بودند و فقط به مسلح و آماده نمودن ناو فکر می کردند. گویی به همه بچه‌ها الهام شده بود که آن روز، روز دیگری است. شهید صفزلی روزه افسر رسته کرد و گفت: «چرا حقیقت را به ما نمی گویی؟ یک دفعه بگویی تو خوام بریم شهید شویم، ما که آمادگی برای شهادت داریم، فقط اجاز میدید که بریم آخرین خداحافظی خودمونو باختواند هامون انجام بدیم.» افسر رسته در جواب او گفت: «نه اصلا ایجنوری نیست، شما چرا ایجنوری فکری می کنید؟» بالاخره مقدمات آماده سازی ناو پایان یافت و ناو حوالی ساعت ۱۲ ظهر از اسکله جدا شد. حدود ۱۵ بعد از ظهر، افسر رسته و فرمانده ناو ماموریت ما را به صورت واضح

رسالت

دوران پیش از انقلاب، از نظر بر خور با انقلاب و چه طور ارزیابی می کنید؟

از آنجا که هر دو شاه پهلوی با کودتای نظامی بر سر کار آمده بودند، دست به تقویت ارتش خود می زدند و در این راستا با هزینه های کلان و استخدام مستشاران نظامی می خواستند. به این هدف بر سندن این امر، وابستگی ارتش را به نیروهای

بیگانه خصوصا آمریکا، بیش از پیش افزایش می داد. می توان با بررسی نیروهای مسلح دوران شاهنشاهی، به پنج زمینه وابستگی آشکار آن نیرو به قدرت های خارجی اشاره کرد: ۱- وابستگی لجستیکی ۲- وابستگی سازمانی ۳- وابستگی آمریکایی ۴- وابستگی مالی ۵- وابستگی به آموزش آمریکایی. به علت اینکه اکثر سلاح های خریداری شده توسط شاه از آمریکا بود، به همین جهت

طبق بر آورد رفتارهای نظامیان در آن زمان باید گفت، نیروهای ارتش آن زمان را به سه بخش عمده می توان تقسیم بندی کرد: دسته اول، عده ای که عمدتا از سربان رژیم بودند و پس از رفتن شاه در صدد بر آمدند که با کمک آمریکا و پس از ورود ژنرال آیزنهاور، زمینه را برای کودتا علیه انقلاب فراهم کنند. این عده تا قبل از رفتن شاه از ایران هنوز امیدوار بودند که با به نمایش گذاردن توان رزمی ارتش و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، زمینه از بین بردن انقلاب را فراهم کنند. اما در این میان به هدف خود نرسیدند. دسته دوم، عده ای از نظامیان بودند شامل سربازان و افسران میان رتبه ارتش، که خود را هم مسیر با مردم می دانستند. این همانگی بدنه ارتش با مردم انقلابی، با ورود و کفیری سخت در ارتش که تمر د نا فرمانی را تا مجازات اعدام، اعلام کرده بود، باز هم در سال ۵۷ شاهد فرار و غیبت روزانه ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر ارتشیان و پیوستن آنان به جمع انقلابیون بودیم. این همانگی بدنه ارتش با مردم انقلابی، با ورود امام به خاک و وطن بیش از پیش نمودار شد. امام در روز ۱۲ بهمن و پس از ورود به بهشت زهرا حضور میلیونی مردم ابراز داشتند؛ «تشکر می کنم از این قشرهایی که متصل شدند به ملت، اینها بروی خودشان و آبروی کشورشان را حفظ کردند.» ایشان در ادامه بیانات خود در روز ۱۳ بهمن

ژنرال» که بیان کننده خاطرات شخصی وی است. بیان می کند: «علی رغم وجود قوانین دادرسی و کفیری سخت در ارتش که تمر د نا فرمانی را تا مجازات اعدام، اعلام کرده بود، باز هم در سال ۵۷ شاهد فرار و غیبت روزانه ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر ارتشیان و پیوستن آنان به جمع انقلابیون بودیم. این همانگی بدنه ارتش با مردم انقلابی، با ورود امام به خاک و وطن بیش از پیش نمودار شد. امام در روز ۱۲ بهمن و پس از ورود به بهشت زهرا حضور میلیونی مردم ابراز داشتند؛ «تشکر می کنم از این قشرهایی که متصل شدند به ملت، اینها بروی خودشان و آبروی کشورشان را حفظ کردند.» ایشان در ادامه بیانات خود در روز ۱۳ بهمن خواستار ارتش مستقل و غیر وابسته شدند. همچنین امام ارحل (ره) با دریتی هر چه تمام تر خواستار پیوستن ارتشیان نیز هر چه سریع تر ارتش به ملت شدند. ارتشیان نیز پس از شنیدن اینکه امام، ارتش را فرزند خود اعلام کرد، به صفوف انقلابیون پیوسته و نقش بسزایی پائینی رژیم شاه یعنی حد فاصل ۱۲ تا ۲۲ بهمن، از یادگان ها خارج شدند. آنان با سردادن شعارهایی مانند امامه سرباز تویم خمینی - گوش به فرمان توایم خمینی، و وفاداری خود را به انقلاب نشان دادند. آنچه وجه به اینکه محل استقرار دانشگاه افسری در میان حرو و مرکز شهر تهران در از طرفی تهران در حرکات انقلابی نسبت به سایر شهرها مرکزیت داشت، این دو نکته موید آن است که این گروه به عدم اطاعت از فرلین و دستورات فکلمندان آنان، توانست طعنه رژیم مبنی بر رو در روی قرار دادن ملت و ارتش را خنثی کند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم، این است که مذهب شیعه دیکته می کند که شلیک گلوله تنها و تنها باید بر

دوران پیش از انقلاب، از نظر بر خور با انقلاب و چه طور ارزیابی می کنید؟

از آنجا که هر دو شاه پهلوی با کودتای نظامی بر سر کار آمده بودند، دست به تقویت ارتش خود می زدند و در این راستا با هزینه های کلان و استخدام مستشاران نظامی می خواستند. به این هدف بر سندن این امر، وابستگی ارتش را به نیروهای بیگانه خصوصا آمریکا، بیش از پیش افزایش می داد. می توان با بررسی نیروهای مسلح دوران شاهنشاهی، به پنج زمینه وابستگی آشکار آن نیرو به قدرت های خارجی اشاره کرد: ۱- وابستگی لجستیکی ۲- وابستگی سازمانی ۳- وابستگی آمریکایی ۴- وابستگی مالی ۵- وابستگی به آموزش آمریکایی. به علت اینکه اکثر سلاح های خریداری شده توسط شاه از آمریکا بود، به همین جهت

طبق بر آورد رفتارهای نظامیان در آن زمان باید گفت، نیروهای ارتش آن زمان را به سه بخش عمده می توان تقسیم بندی کرد: دسته اول، عده ای که عمدتا از سربان رژیم بودند و پس از رفتن شاه در صدد بر آمدند که با کمک آمریکا و پس از ورود ژنرال آیزنهاور، زمینه را برای کودتا علیه انقلاب فراهم کنند. این عده تا قبل از رفتن شاه از ایران هنوز امیدوار بودند که با به نمایش گذاردن توان رزمی ارتش و ایجاد رعب و وحشت در میان مردم، زمینه از بین بردن انقلاب را فراهم کنند. اما در این میان به هدف خود نرسیدند. دسته دوم، عده ای از نظامیان بودند شامل سربازان و افسران میان رتبه ارتش، که خود را هم مسیر با مردم می دانستند. این همانگی بدنه ارتش با مردم انقلابی، با ورود و کفیری سخت در ارتش که تمر د نا فرمانی را تا مجازات اعدام، اعلام کرده بود، باز هم در سال ۵۷ شاهد فرار و غیبت روزانه ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نفر ارتشیان و پیوستن آنان به جمع انقلابیون بودیم. این همانگی بدنه ارتش با مردم انقلابی، با ورود امام به خاک و وطن بیش از پیش نمودار شد. امام در روز ۱۲ بهمن و پس از ورود به بهشت زهرا حضور میلیونی مردم ابراز داشتند؛ «تشکر می کنم از این قشرهایی که متصل شدند به ملت، اینها بروی خودشان و آبروی کشورشان را حفظ کردند.» ایشان در ادامه بیانات خود در روز ۱۳ بهمن خواستار ارتش مستقل و غیر وابسته شدند. همچنین امام ارحل (ره) با دریتی هر چه تمام تر خواستار پیوستن ارتشیان نیز هر چه سریع تر ارتش به ملت شدند. ارتشیان نیز پس از شنیدن اینکه امام، ارتش را فرزند خود اعلام کرد، به صفوف انقلابیون پیوسته و نقش بسزایی پائینی رژیم شاه یعنی حد فاصل ۱۲ تا ۲۲ بهمن، از یادگان ها خارج شدند. آنان با سردادن شعارهایی مانند امامه سرباز تویم خمینی - گوش به فرمان توایم خمینی، و وفاداری خود را به انقلاب نشان دادند. آنچه وجه به اینکه محل استقرار دانشگاه افسری در میان حرو و مرکز شهر تهران در از طرفی تهران در حرکات انقلابی نسبت به سایر شهرها مرکزیت داشت، این دو نکته موید آن است که این گروه به عدم اطاعت از فرلین و دستورات فکلمندان آنان، توانست طعنه رژیم مبنی بر رو در روی قرار دادن ملت و ارتش را خنثی کند. نکته دیگری که باید به آن اشاره کنیم، این است که مذهب شیعه دیکته می کند که شلیک گلوله تنها و تنها باید بر

دوران پیش از انقلاب، از نظر بر خور با انقلاب و چه طور ارزیابی می کنید؟

خود را در به میان آوردن نیروهای نظامی می دانست. وابستگی نظامی شاه به نیروهای مسلح برای حفظ تاج و تخت سلطنتی خود در ۱۵ آبان سال ۵۷و به روی نگار آوردن نظامیان ارتش برای ارایه یک حکومت آشکار تر شد. در این روز به دنبال استعفا شریف امامی، ارتشبد از هاری به فرمان شاه، مامور تشکیل دولت شد. امام شاه از این نکته غافل بود که بدنه ارتش، پیوند ناگسستی با ملت خود دارد. ارتشبدان نیز همسو با مردم، خواستار انقلابی بودند که دست بیگانه را از این ملت کوتاه کند و به این تبعض ها پایان دهد. در این میان به علت اینکه رهبری انقلاب به عهده فردی حکیم بود، پیام های حضرت امام نقش عمده ای در تقویت ارتش به ملت داشت. ایشان در پیامی بیان کردند که مردم باید به سوی قلب ارتش نشانه روی کنند و کسی حق ندارد که به ارتشیان و سربازان حمله کند. زیرا آنان می دانند که از ملت و برادران و فرزندان ما هستند. مواظظ و مواضع امام باعث شد که شاه و ارتش، از حکومت نظامی هم طرفی ننهند. این بر آورد غیر صحیح از خواست مردم و مقابله فیزیکی با ایشان، عزم مردم را برای رسیدن به اهداف انقلاب شان، جزم تر کرد و باعث شد که حکومت دولت از هاری در کمتر از ۵۰ روز سقوط کند و انقلاب، یک قدم به پیروزی نزدیک تر شود. پس از واقعه ۱۷ شهریور (جمعه سیاه) چهره های وابسته و همدل با امام و انقلاب بیشتر آشکار شدند. پس از آن بود که رژیم با یاس و ناامیدی به حیات خود ادامه داد و بالاخره در حالی که به ۲۲ بهمن نزدیک می شدیم، تعداد ارتشییانی که به صفوف مردم می پیوستند، بیش از پیش می شد.

یکی از مهم ترین اقدامات ارتش در سال های ۵۷ و ۵۸ به حفاظت از انقلاب مربوط می شد. در آن سال ها تنش ارتش در مواجهه با عارضه ارتش انقلاب چه بود؟

پس از اوج گیری فعالیت های انقلابی مردم در ایران، سر انجام در روز ۲۲ بهمن ماه سال ۵۷، سران ارتش در مرکز ستاد مشترک پس از رایزنی، به اتفاق آراء تصمیم به اعلام بی طرفی گرفتند. پس از این بود که پیروزی انقلاب تثبیت شد و در بعد از ظهر آن روز، رسما مردم، سرنگونی رژیم طاغوت را جشن گرفتند. از طرفی در سال های ۵۷ و ۵۸، دشمنان با برنامه ریزی در صدد ایجاد کودتا در ایران بودند که از جمله می توان به کودتای نوزده اشاره کرد که در آن عده ای از افسران و هیران نظامی وابسته به بیگانه سعی در کشتن و هیران انقلاب ایران و شکست انقلاب داشتند. پس از این رویدادها و بعد از حمایت همه جانبه امام از بدنه ارتش و آنجا کفر موندن ارتش به ملت پیوست، ارتش به ملت بازگشت. نیروهای اصل و متمهد ارتش دست به تجدید ساختار زدند و در حمایت از انقلاب و دفاع از آن نقش بسزایی را بر عهده گرفتند. فتنه عوامل داخلی وابسته به خارج در خوزستان و کردستان و سایر مناطق، به کمک همین ارتش سرکوب شدند.

گفتگو با ناخدا سوم جانباز بازنشسته نادر مبارکی، بازمانده ناوشکن سهند



اشاره:

روز ۲۹ فروردین سال ۶۷ یکی از روزهای به یاد ماندنی در باب حقانیت ایران اسلامی و دشمنی ددمنشانه آمریکای جهانخواه با نظام جمهوری اسلامی ایران است. در این روز ناوهای آمریکا وارد عرصه نبرد دریایی با جمهوری اسلامی ایران شدند و اقدام به آتش کشیدن اسکله های نفتی ایران نمودند. در مقابل، نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران با اعزام ناوهای رزمی خود در صدد مقابله با این تعرض بی‌آمد و توانست دشمن را تا حد زیادی در به ثمر رساندن کامل اهداف شوم خود ناکام بگذارد لیکن در این نبرد نابرابر، ناوشکن سهند و ناوچه جوشن در دریا غرق شد و به ناوشکن سیلان خسارات زیادی وارد آمد. آنچه در پی می آید متن گفتگویی ما با ناخدا سوم جانباز بازنشسته نادر مبارکی، بازمانده ناوشکن سهند است که شما را به خواندن آن دعوت می کنیم؛

گفتگو از: سید جلال موسوی
دقیق اعلام کردند. در ناو حالت جنگی اعلام شده بود. به ما خبر دادند ناوچه جوشن از منطقه دوم دریایی بوشهر در دریایی با ناوگان پنجم آمریکا منهدم و در دریا غرق شده است. ریشه این در گیری و تعرض آمریکایان بود که یک کشتی نفتی کویتی که در اسکورت ناوهای آمریکایی بود در برخورد با سربین دریایی که در آن طرف ایران می دانستند خسارت زیادی دیده بود و آمریکایی برای فرکش ساختن این عصبانیت و وارد ساختن ضرر به مقابل به ایران باسکلههای نفتی ایران حمله کرده و اسکله را شادت را به آتش کشیده بودند. از طرف دیگر ناوچه جوشن که برای دفاع از اسکله و منابع نفتی ایران به منطقه رفته بود مورد تعرض و حمله ناوگان پنجم آمریکا قرار گرفته و در دریا غرق شده بود. خبر تعرض ناوهای آمریکایی به منابع نفتی ایران و غرق شدن ناوچه جوشن، حسن انتقام جوینی را در دل بچه های ناو شعلهو ساخت. حدود ساعت یک ربع به چهار بعد از ظهر، آژیر میجل جنگ در ناو به صدا درآمد. همه سربعا به محل جنگ خود رفتند و با آمادگی کامل مستقر شدند. یک هواپیمای رهگیری و جنگی آمریکابه طرف ناو حمله کرد. توپ های مستقر در ناو بیاتلنازی خود به سمت آن هواپیمای آمریکایی عکس العمل نشان دادند. هواپیمایچور به فرار شده هواپیمای دوم به سمت ناو حمله ور شد ولی آن هم در وارد ساختن ضرر به ناو ناکام ماند. حدود یک ربع از آغاز در گیری ما با هواپیمای آمریکایی نگذشته بود که اولین موشک در زیر پای توپ ۲۰ میلیمتری اولریکن اصابت کرد. این موشک باعث ایجاد ششکاف چند متری در پاشنه ناو و از کار انداختن سیستم برق ناو شد. عده ای از بچه ها هم به شدت مجروح شدند. با تلاش بچه ها آتش سوزی ناشی از انفجار مهار گردید و برق اضطراری ناو روشن شد. بچه ها تمام تلاش خود را برای مقابله با حملات دشمن انجام دادند. موشک های دشمن از زوایای مختلف به بدنه ناو اصابت می کردند و بدنه ناو شکافته و در داخل ناو منفرج می شد. با این وضعیت بچه ها دست از مقابله و دفاع بر نمی داشتند و توپ های ناو همچنان کاری می کرد پز شلیک را به پرسنل مجروح رسیدگی

می کرد. بچه های یک به یک مجروح یا شهید می شدند. شهید هرپیز کار گرفت برای بچه های مجروح که طلب آب می کردند آب بیورد ما دیگر برنگشت. شهید منصور گلپای بیژن شکار ناو در حین رسیدگی و ملوای مجروحین به شهادت رسید. عده ای از بچه ها در داخل آب بودند. دستور ترک ناو صادر شده بود ولی اکثر بچه ها مقاومت می کردند و تا لحظات آخر قبل از غرق ناو حاضر به ترک ناو نبودند. عده ای از همکاران در قسمت های داخلی ناو گیر افتاده بودند و امکان خلیج شدن و نجات دادن خود را نداشتند. جزو نادر قسمت های مختلف ناو به خاطر ضربات ناشی از اصابت و انفجار موشک قتل یافته بودند. ناو در حال غرق شدن بود. در این واقعا به سرانغم آمد گفتم: «نادر، بپر تو آب، قایق های نجات ناو باز نمی شد. آنها همی که بازمی شد و در داخل آب بودید به خاطر اصابت ترکش های ناشی از انفجار موشک های آمریکایی، متلاشی یا سوراخ شده بود.

چرا نیروی هوایی به کمک شما نیامد؟

دریا و آسمان منطقه در سیطره قدرت نظامی و اهریمنی آنها بود. به جنگنده های ایرانی اخطار داده بودند. در صورت در گیری هوایی، امکان سقوط جنگنده های خودی بسیار زیاد بود. آنها حتی به پدک کش هایی که قصد کمک رسانی به ما داشتند اخطار داده بودند. خیلی جالب است دشمن وارد حرم دریایی کشور ما بشود و به شاورهای ما حمله کند و اجازه دهد که ما بزد کسی به کمک ما بیاید. آمریکایی هارامی گویم، همان هایی که امروز ادعای دفاع از حقوق بشر می کنند. **بالاخره سر نوشت شما و ناو چه شد؟**
ناو، هشت موشک خورده بود، موشک نهم درست خورده زیر پاشنه چپ که من در آنجا بودم. شدت انفجار مرا از جای خود به هوا بلند کرد و محکم به کف پاشنه ناو کوبید. چند دقیقه ای در حالت بی هوشی بودم. وقتی به هوش آمدم متوجه شدم از سرم خون می آید، چشمم پر خون شده بود. احساس گرمادر دست راستم کردم. وقتی خود را ندانستم، بعد از مدتی دستم را به پای راست، پای چپ، دست راست و دست چپم کشیدم. دیدم دست و

گفتگو با ناخدا سوم جانباز بازنشسته نادر مبارکی، بازمانده ناوشکن سهند